



آقایامادرستگاریپیشکسوت موسیقیترکمن درگفت وگو باخبرنگارماوعده هایبیسرانجاممسئولان استان گلایه کردوااین کهمدتی است درخانه ای به سرمی برد که علاوه برتخریب بخشی ازآن به علت زلزله ازنفوذموریانه درامان نیست، سخن گفت. او که ۵۵ بهار را بدون بهره مندی از بیمه و مستمری پشت سرگذاشته است ازرویهایی گفت که مسئولان استان به دیدارش رفتند و وعده هایشان موجب شد تا برق امید درچشمانش نقش

# نقش کم رنگ خاطره نویسی در استان

# قاب خالی خاطرات

## گروه ادب و هنر

صافرات را مرور می کند و از زوهای می  
سود که حالا به تاریخ پیوسته است از کسانی  
که تاریخ را با خاطرات آن روزها زیسته اند  
مرور گنجینه ای عظیم برای به بار نشستن  
ظواهر ماندگار دارند. همان های که امروز  
با دورباشان تاریخ را بخزند و با همان سال ها  
سالی دیگر بر پیش دارند و مانده اند تا از  
زوهای بگویند که نقش آفرینش بودند. آن ها  
اندازند تاریخ را زنده کنند. برای روزی زن  
زوهای شوازیگر با آن های بی شکلاک می  
که هم ت کردند تا روایتگر نگاشته های از زبان  
ماندگان ساحل عاشقی باشند. با این که  
چند از پراختی به تاریخ شفاهی ای همان  
صافرات عاشق زمان چندانی نمی گذرد و  
ند سالی است افرادی را استان دست به  
ند شده اند تا تاریخ را بخزند. دور  
ما هنوز تا نقطه مطلوب فاصله وجود دارد.

«نیستانی» در زمره افرادی است که دستی  
از خارهر نویسی دارد و آثاری را در این زمینه  
منتشر کرده است. او آگاهی اندک مردم از  
مسائل تاریخی و بیان خاطرات و اتفاق های  
گذشته را از جمله مشکلاتی می داند که سبب  
دیده است همکاری خوبی برای جمع آوری  
خاطرات انجام نشود.

ی اضافه می کند: پای کار آمدن دستگاه های متولی و آگاهی بخشی از طریق رسانه ها، برگزار برگزاری همایش های مختلف می تواند فعالان این حوزه کمک کند.

ی آموزش را رکن اصلی برای فعالیت در این زمینه می داند و معتقد است: با این که گام نمایی در این راستا برداشته شده است اما کافی نیست.

نشان را به آیندگان معرفی کنیم لازمه آن آگاهی بخشی به مردم است، زیرا معضل اصلی این است که افرادی هم که قرار است اطلاعاتی را

در اختیار مصاحبه کننده قرار دهند، بیشتر به جنبه مالی برای ارائه اطلاعات توجه دارند.

یکی از افراد باتجربه بسیار ضروری می‌داند و مطالعه را بخش مهمی برای ارتقای سطح فعالیت اعلام و بر غنی‌سازی منابع تاکید می‌کند.

«مهدی دوست» هم در زمره علاقه‌مندان است که چند سالی به عنوان ویراستار آثار منتشر شده در زمینه خاطره نویسی را رصد کرده و به تازگی نیز در خاطره نویسی دست به قلم شده است. او معتقد است: «مفوله تاریخ شفاهی و مصاحبه مسئله تازه‌ای در استان است و به همین دلیل نویسنده خاصی برای هدایت افراد در این زمینه در اختیار ما نبایران آثاری هم که در این سال‌ها منتشر شده است، نتوانسته‌اند، سطح ملی، جایز کند و دیده شود.

این نویسنده جوان ادامه می دهد: این مسائل نشان دهنده این است که علاقه مندان به این

حوزه با فعالیت هایی که انجام می دهند در حال کسب تجربه هستند و این مسیر را افتان و خیزان طی می کنند، در حالی که در دیگر استان ها نویسندگانی وجود دارند که تجربه های ۲۰، ۳۰ ساله ای در این زمینه دارند که این امر بیانگر ضعف آموزش است.

او البته مسئله مهم تر را سفارش دهندگانی می‌داند که بیشتر دستگاه دولتی هستند و ناشر خصوصی وجود ندارد و از آن جایی که متأسفانه اغلب سفارش دهندگان به کیفیت کار توجهی ندارند و به نوعی کیفیت را فدای کمیت می‌کنند، سبب شده است شاهد آثاری باشیم که قابلاً خواننده نیستند.

“

خاطره  
نویسی در  
استان هنوز  
به جایگاه  
واقعی خود  
نرسیده است

از نگاه این نویسنده، استفاده از نیروهای که تخصص کامل ندارند، باعث شده تا کیفیت کتاب‌ها افت وحشتناکی داشته باشد، زیرا مسئولی ترجیح می‌دهد به کمیت توجه و بودجه را به جای بهره‌گیری از افراد متخصص برای تولید آثار بیشتر صرف کند.

تیمور غلامی» هم که تجربه هایش را در زمینه  
خاطره نویسی در قالب چند مجموعه منتشر  
کرده است، از این که خاطره نویسی در استان  
غزنو به جایگاه واقعی خود نرسیده است، سخن  
می گوید و می افزاید: آثاری که در این حوزه  
منتشر شده اند، قوام لازم را پیدا نکرده اند.

ی را با تأکید بر این که در زمانی شخصیت خاص خودش را برای نوشتن می طلبد و نمی توان گفت که در آستان نویسی می نویسد و ناویک خاطره نویسی خوب باشد و برعکس می افزاید: افرادی که این زمینه قلم می زنند، در دردت قرار نمی گیرند و از مهارت لازم برای خود دست می یابند. نویسنده مجموعه های «لق چالچه»، «کل باغ روشایی» اضافه می کند: به نظر می رسد بسیاری از کتاب های که منتشر شده اند هنوز به حدی نرسیده اند که شخصیت را در کار ارائه دهند و بیشتر شخصیت به عنوان آوی از آثار نمود دارد و برای همین است که همه آثاری که شیهه به هندسه در حالی که انتظار می رود آثار با زبان و دیدگاه متفاوتی نوشته شود. این نویسنده، خلاّ نقدا را از دیگر کاستی های این بخشی می داند و اعلان می دهد: این که منتقدان بخوبی در آستان داریم و می توان کارها را پیش از انتشار نقد کرد اما این اتفاق در آستان نمی افتد و به نظر می رسد دستگاه های که در این زمینه فعالیت می کنند ناظر نقدکننده ای ندارند در حالی که لازم است

A stack of four books with red, black, orange, and green covers, resting on a wooden surface against a warm, bokeh background.

به همان اندازه ای که به نویسندگان بها داده می شود به حضور ناظر یا نقدکننده پیش از چاپ توجه شود.

وی سؤزه و شخصیت را برای خاطره نویسی بسیار مهم می داند و می افزاید: کسانی که می توانند این خلأ را پر کنند مصاحبه گران هستند اما آن ها هم از مهارت کافی برخوردار نیستند تا بتوانند اجزای مختلف واقعه را از زبان آن شخص به دست آورند.

در همین باره رئیس حوزه هنری خراسان شمالی با بیان این که هر چند موضوع خاطرات شفاهی در حوزه هنری چند سالی است شروع

شده اما به لحاظ تخصصی وضعیت خوبی نداریم، تصریح می‌کند: دیده شد کتاب‌های ارزشمند در مجامع تخصصی و نقد آثار، بیابانگر این ادعاست. «نمازی» اضافه می‌کند: تاکنون ۲۰ جلد کتاب در زمینه تاریخ شفاهی منتشر شده و تهیه ۱۸ اثر نیز در حال انجام است. وی اضافه می‌کند: البته هنوز کار دارد تا چند کتاب شاخص و ویژه در حوزه دفاع مقدس داشته باشیم با این همه همچنان قائل به این مسئله هستیم که ادبیات پایداری در مسیر خوبی قرار گرفته است.

«نمازی» با تأکید بر این که استان خروجی خاصی دارد و به نظر می‌رسد که این اتفاق در حال شکل‌گیری است، تصریح می‌کند: در زمینه کیفیت آثار و نوع ارائه آن‌ها هدف‌ت‌گذاری بالایی انجام و پیش‌بینی می‌شود در آت‌ار این که اسامی منتشر می‌شوند، شاهد نمونه‌های خوبی در حوزه تاریخ شفاهی باشیم.

وی خاطر نشان می‌کند: هدف ما از فعالیت در این حوزه کتاب سازی نیست و هیچ تعجیلی برای چاپ آثار نیست.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

## بر بال خیال

## قرار نشد...

کسی مسافر این آخرین قطار نشد  
کسی که راه بیندازش سوار نشد  
چقدر گل که به گلدان خالی ما شکفت  
چقدر پی و زمستان شد و بهار نشد  
من و تو پای درختان چقدر نشستیم!  
چه قلب ها که نکندیم و یادگار نشد!  
چه روزها که بدون تو سال ها گذشت  
لحظه ها که نماندند و ماندگار نشد  
همچمن من سر راه تو بودم و هر بار  
کنار آدم و آدمی کنارم نشد!  
قرار شد که بیای قمار من باشی  
دوباره زیر قرارم زدی؟! قرار نشد...

## مهدي فرجی

## چشم تو

چشم‌ها – پنجره‌های تو – تأمل دارند  
نصل پاییز هم آن منظره‌ها گل دارند  
و باد و مه و خورشید و فلک طمطمئن  
همه در گردش تو تعادل دارند!  
با نمک خار گلو هست، گلوند چرا؟  
کشته‌های چه نیازی به تجمل دارند؟  
چه جام مرغ گریخته است به امید که اند  
میش‌هایم که نه چشم تو آغل دارند؟  
برگ باریزش بی‌وقفه به من می‌گوید:  
در زمین خوردن عشاق تسلسل دارند  
هر که در عشق سزا دل قله برآرد هنر است  
همه تا دامنه کوه تسمل دارند

## مژگان عباسلو

## مرا ببخش

سکونت می‌کنم و عشق در دلم جاری است  
که این شگفت‌ترین نوع خویش‌داری است  
هر روز، اگر بی تفاوتی، اما  
شیشم‌قرین شکنجه، دچار بیماری است  
ها که آن چه شنیدی و دیده‌ای، هر چیز  
هم جز من و تو و عشق من و تو، تکراری است  
مرا ببخش، بدی کردم به تو، گاهی  
کمال عشق، چونوست و دیگر آگاهی  
مرا ببخش اگر لحظه‌هایی نمی‌بینست  
شیشم‌قرین اگر نفسم، سرد و زرد و زنگاری است  
ببخش من، به نسیم تبسمی درآپ  
جهاں هنم ما را که غرق بی‌بزاری است

## سهیل محمودی

